دستگاه هشتم

متین پیمانی

www.ketab.ir

سرشناسه	: پیمانی، متین، ۱۳۶۸-
عنوان و نام پدیدآور	: دستگاه هشتم/ متین پیمانی، ویراستار رائد آموزگار.
مشخصات نشر	: کرج: نوای فرهنگ و هنر ، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۲۹۸ ص. : جدول
شابک	: 978-600-98150-2-9
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۲۹۵.
یادداشت	: واژه‌نامه
موضوع	: موسیقی ایرانی — تاریخ
موضوع	: Music, Iranian—History*
موضوع	: موسیقی ایرانی — دستگاه‌ها
موضوع	: Music, Iranian—Dastgah*
شناسه افزوده	: آموزگار، رائد، ویراستار
رده بندی کنگره	: [illegible] ۱۳۹۶
رده بندی دیویی	: ۷۸[illegible]
شماره کتابشناسی ملی	۵[illegible]

نوای فرهنگ و هنر

انتشارات نوای فرهنگ و هنر

عنوان: دستگاه هشتم

مؤلف: متین پیمانی

ویراستار: رائد آموزگار

ناشر: نوای فرهنگ و هنر

تاریخ انتشار: بهار ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول

قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۸۱۵۰-۲-۹

ISBN: 978-600-98150-2-9

دفتر نشر : کرج ، بلوار طالقانی شمالی ، ۲۰۰ متر مانده به پل آزادگان ، روبروی خیابان شهید مدنی ساختمان ۱۱۰ ، طبقه دوم. تلفن : ۰۲۶-۳۲۲۴۲۲۵۷

کلیه حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است.

www.ketab.ir

فهرست:

پیشگفتار ۹

فصل اول ۱۳

دستگاه نظامی سه وجهی (سه بعدی) ۱۳

مقدمه ۱۵

سیر اندیشه های موسیقایی بعد از اسلام ۱۵

سیر تاریخی موسیقی ایران ۱۹

۱)عصر باستانی- موسیقی ایران قبل از ورود اسلام ۱۹

۳)تکوین ادوار- بعد از ورود اسلام تا صفی‌الدین ارموی (قرن اول تا هفتم) ۲۴

٤)تدوین ادوار و عصر طلایی - صفی‌الدین ارموی تا عبدالقادر مراغه‌ای (قرن هفتم تا یازدهم) ۲۸

٥)افول و سکوت - عبدالقادر مراغه‌ای تا بابامخمور (قرن یازدهم تا دوازدهم) ۳۰

٦)ظهور موسیقی دستگاهی- خاندان فراهانی (قرن سیزدهم تا معاصر) ۳۱

شناخت دستگاه: آنچه تا کنون می اندیشیدیم ۳٤

دستگاه نظامی سه وجهی: معرفی ابعاد نظریه ۳۸

جنبه‌های موسیقایی ۳۹

وجه اول: اشل صوتی ٤۰

وجه دوم، گوشه‌های به‌هم‌پیوسته و معنی‌دار ٦٤

وجه سوم، طبقات و مایه‌ها ٦٤

جنبه‌های فراموسیقایی ٦۷

فصل دوم ٦۹

محاسبات، اسباب، قواعد ٦۹

مقدمه ۷۱

www.ketab.ir

محاسبات گام ایرانی ۷۲
دیدگاه فارابی ۷۲
دیدگاه ابن‌سینا ۷۴
دیدگاه صفی‌الدین ارموی ۷۴
موسیقی ردیفی و دستگاه‌های ایران ۷۶
ارکان ریتم ۸۰
الف) ایقاع ۸۲
ب) اوزان ۹۲
ملایمت، تنافر و تلطیف ۹۴
معرفی ابعاد (فواصل) ۹۴
لحن و ملودی ۹۵
ملایمت، تنافر، و تلطیف ۹۷
فرم در موسیقی ادواری ۱۰۰
معرفی فرم های قدیمی موسیقی ۱۰۰
فرم در موسیقی دستگاهی ۱۱۴
پیش‌درآمد ۱۱۴
رنگ ۱۲۲
ضربی ۱۲۳
چهارمضراب ۱۲۵
تصنیف ۱۲۷

فصل سوم ۱۳۵

اندیشه‌های چندصدایی ۱۳۵
هموفونی(هارمونی) ۱۳۷

www.ketab.ir

مبانی ۱۳۹
پلی‌فونی(کنترپوان) ۱۵۰
خطا یا تنافرات ۱۵۱

فصل چهارم ۱۵۳

فرم جمله سازی در موسیقی ایران (مقدمات آهنگ‌سازی) ۱۵۳
بررسی فرم در موسیقی ایرانی ۱۵۵
شروع و پایان ۱۵۵
فیگورهای ملودیک و مونث ۱۵۵
فیگورهای ایقاعی و موزون ۱۵۶
اندازه‌ی میزان ۱۵۶
اندازه و وسعت جملات در موسیقی ایران ۱۵۶
مفهوم «تنفس» و «نقطه‌ی برجسته» در موسیقی ۱۵۷
جملات راه و دستان ۱۶۱
راه ۱۶۱
دستان ۱۶۲
ملزومات آهنگ‌سازی ۱۶۳

فصل پنجم ۱۶۷

دستگاه هشتم ۱۶۷
فهرست منابع ۲۹۵

www.ketab.ir

پیشگفتار

تحولات اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی ایران در نزدیک به یک سده موجب بروز دو تفکر و نگاه کلی در موسیقی اصیل ایران شده است: نگاه اول موسیقی ردیفی و دستگاهی را سنت اصلی و تمامیت موسیقی ایران می‌داند و نگاه دوم با اتکا به تحلیل غربی–اروپایی از موسیقی دستگاهی بهره می‌جوید.

پاسداری از سنت اصیل ریشه‌ی تفکر در نگاه اول است. در نتیجه خلاقیت و نوآوری – اگر مردود و مذموم شمرده نشود – بستری برای ظهور ندارد. نگاه دوم عموماً واکنشی به سنت‌گرایی صرف است. ردیف و موسیقی دستگاهی با تئوری اروپایی تحلیل و در نتیجه بخش‌های زیادی از موسیقی دستگاهی توضیح ناپذیر، زائد و حذف می‌شوند. تعامل این در نگاه موسیقی دستگاهی را به موزه‌ی تاریخ موسیقی کشانیده و بستر حضور آن در عصر کنونی را ناممکن ساخته است.

سنت‌گرایان به گردآوری ردیف‌ها و حفظ و حراست از آن‌ها مشغول هستند و با جست‌وجوی گوشه و مایه در تاریخ و موسیقی اقوام ایرانی، راهی برای ظهور و تجلی خلاقیت و به‌روزرسانی ردیف دستگاهی نشان می‌دهند. راهی که پیروان این اندیشه ارائه می دهند، بداهه‌نوازی و خلق در لحظه است. مایه و احساس گوشه‌های موجود، با احساس لحظه‌ای هنرمند ادغام می‌شود و بیانی دیگر می‌یابد. ساختن واریاسیون یا اتکا به حالات عرفانی و سیر و سلوک، (توصیفاتی چون حال و آن) تداوم حیات این اندیسه را ممکن ساخته است.

پیروان نگاه اروپایی، بستر ردیف و دستگاه را تاریخ موسیقی ایران می‌پندارند. به همین سبب، متد ردیف را علمی نمی‌دانند و تحلیل نمی کنند. تعداد انگشت‌شماری از صاحبان این اندیشه دست به تحقیقاتی در باره‌ی موسیقی اصیل ایران زده‌اند و چنین نتیجه گرفته‌اند که موسیقی ردیف ساختار و منطق خود را دارد ولی در گذر زمان دچار عقب‌ماندگی شده است و برای بازسازی، ناگزیر نیاز به دانش غربی–اروپایی دارد.

www.ketab.ir

پیروان این اندیشه آهنگ‌سازانی به شیوه‌ی اروپایی هستند که گاه برای نمایش هویت ایرانی - و نه اصالت و متدهای موسیقی ایران - دست به اقتباس از ملودی‌های ردیفی یا اقوامی می‌زنند. در سطح پایین و ابتدایی تعاملِ این دو نگاه را در پدیده‌ی پاپ-سنتی می‌بینیم. در این پدیده جز کلام فارسی و سازهای ردیفی و گاه چند ملودی اقوامی ردپایی از موسیقی اصیل وجود ندارد. آثار تولیدشده بین دو اندیشه‌ی مذکور در نوسان است.

نقدی کوتاه بر این اندیشه

سنت‌گرایان به این مسأله توجه ندارند که آنچه سنت و اساس می‌دانند روزی نوآوری و خلاقیتی جسورانه تلقی می‌شده است و نادیده گرفتن بسترهای خلاق موجب از بین رفتن این اندیشه می‌شود. لزوم حفظ و نگهداری موسیقی امری ضروری است، اما این لزوم منافاتی با خلاقیت ندارد. روایت ردیف‌ها از چند ساعت تجاوز نمی‌کند. آیا این موسیقی که قدمت آن به هزاره می‌رسد همین چند ساعت است؟ موسیقی‌دان ایرانی موظف به تکرار این چند ساعت در هزاره‌ی آینده است؟ بداهه‌پردازان - بجزانگشت شماری - نه اصول جمله‌پردازی می‌دانند، نه بافت می‌شناسند. ما امروز حتی برخی روایتی از روایات ردیف را هم نمی‌دانند. با این اوضاع چگونه می‌توانند حیات و بروزرسانی این موسیقی را تضمین کنند؟ حاصل این اندیشه بداهه‌پردازانی هستند که فقط واریاسیون می‌سازند که بعضاً جملات موسیقایی آن فعل و فاعل (در مفهوم موسیقایی) ندارد و حتی احساس موسیقایی آن هم از جنس موسیقی ردیف نیست.

نداشتن اصالت و هویت، و ناآگاهی از موسیقی دستگاهی، ادواری، و گاهاً پدیده‌ی نقد تفکر دوم است. بهره‌گیری نادرست از موسیقی اروپایی که سیر تحول و تکامل را در بستری متفاوت از ایران و فرهنگ ایران طی کرده است، موجب از بین رفتن ظرافت‌ها، وجوه کلی و جزئی موسیقی ایرانی، و نابودی هویت آن می‌شود و گاه آن را در حد موسیقی اقوام یونانی و جوامع بدوی کاهش می‌دهد. صاحبان این تفکر عموماً جز نام‌های موسیقی دستگاهی و گاه بعضی الگوهای مدل یا نظام فواصل چند دستگاه - آن هم از نوع تشریح غربی - از چند چون این موسیقی آگاه نیستند.

حاصل کشمکش و تقابل این دو اندیشه پریشانی و انحطاط است: پرورش نسلی شامل گروه‌های بداهه‌نواز که جملات معنادار در آثارشان بسیار کم است؛ آهنگ‌سازان بی‌هویت و علاقه‌مندانی که ذوق‌آزمایی

www.ketab.ir

خود را آهنگ‌سازی می‌نامند؛ ردیف‌دان‌هایی که محاسبه و اسباب و قواعد نمی‌شناسند و داستان و تاریخ می گویند و در بهترین حالت نقش آرشیو و ضبط صوت را ایفا می‌کنند؛ خوانندگانی که جامه‌ی اصالت بر تن دارند و ترانه‌های پاپ و بی‌ریشه اجرا می‌کنند؛ نوازندگان سازهای اصیل که رپرتوار اصلی‌شان موسیقی جاز و راک و فلامینکو شده است و هنرجویان پریشانی که نمی‌دانند چه بیاموزند و به کدام مکتب بروند؛ مخاطبانی که جز شرح احوال هنرمند، از چند و چون موسیقی آن غافل مانده‌اند. تنها کاسبان فرهنگ از این آب گل آلود ماهی می‌گیرند و در این چند دهه از این حال پریشان رونقی برای خود دست و پا کرده‌اند.

از دیدگاه نگارنده به وحدت رسیدن این دو اندیشه، ثبات و پیشرفت را به ارمغان می‌آورد. در این نوشتار از آشتی و هم‌آمیزی دو تفکر حاکم، اندیشه‌ی سومی مطرح می‌شود.

نگارنده بر این باور است - و بر این مدّعا شاهد می‌آورد - که دستگاه را خاندان فراهانی سامان داده اند - گرچه مبدعان این نظام نبودند - و تا حدی می‌توان آن را آهنگ‌سازی شده دانست، نه گردآوری صرف. بعدها موسیقیدانان برجسته قاجاری هم این شیوه را ادامه دادند. نگارنده سپس اندیشه و قواعدی برای آهنگ‌سازی ایرانی ذکر و هویت ردیف، دستگاه، قطعه، شیوه‌های بافت‌بندی، حرکات پارالل و... را بیان می کند تا بستر آهنگ‌سازی ایرانی به عنوان علم بررسی شود و این هنر تنها با بروز احساسات لحظه‌ای مهجور نماند؛ و در انتها، با معرفی هشتمین دستگاه، پیش‌گام این امتزاج می‌شود.

هشت موضوعی که در این نگارش به آن پرداخته شده است:

۱) نظریه‌ای برای توضیح دستگاه و طبقه بندی انواع آن

۲) معرفی محاسبات و سیستم گام ایرانی

۳) نظریه‌ای برای تشریح ریتم در جملات موسیقی ایران

۴) ذکر قواعدی برای ملایمت و تنافر در فواصل، ملودی، و بافت

۵) تحلیل فرم و معرفی بستری برای آهنگ‌سازی

۶) نظریه‌ای برای قواعد هموفون و پلی‌فون بر پایه‌ی منطق ایرانی

www.ketab.ir

۷) آموزه‌هایی برای چگونگی جمله‌پردازی

۸) معرفی دستگاه جدید (دستگاه هشتم)

هدف این گفتار آموزش تئوری‌های موجود، ردیف، هموفون، پلی‌فون و... نیست. خواننده‌ی این کتاب با این مبانی آشنایی دارد. نگارنده به معرفی اندیشه‌ها و ساختار آن‌ها بسنده و آموزش و تحلیل را به مجالی دیگر واگذار کرده است.

این مجموعه حاصل هفت سال پژوهش نگارنده است. در بخش آخر دستگاه هشتم برای ارکستر کامل ساخته شده بود که به دلیل محدودیت برای یک پیانو و تار تنظیم گردید. زحمت تنظیم بر دوش هنرمند بزرگوار نادر ادب زاد بوده است. از همکاری ایشان کمال تشکر و امتنان را دارم و قدر دان تمام عزیزانی هستم که در به انتها رسانیدن این مجموعه مرا یاری رسانده اند. باشد که مقبول افتد.

www.ketab.ir